

شرق شناسی هالیوود

تحلیل روایت پسااستعماری مسلمانان
در سینمای هالیوود



مجید سلیمانی ساسانی

HOLLYWOOD

شرق شناسی هالیوود

تحلیل روایت پسااستعماری مسلمانان در

سینمای هالیوود

مجید سلیمانی ساسانی





لیتوگرافی، چاپ و مصافی: ویژه پرداز آتدیشه - چاپ آتدیشه
چاپ اول: ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۲۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۲۸۱۶-۰

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

شماره کتاب شناسی ملی: ۵۳۹۷۳۳۸

عنوان و نام پدیدآور: شرق شناسی هالیوود: تحلیل روایت
پساستعماری مسلمانان در سینمای هالیوود / مجید
سلیمانی ساسانی.

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۳۱۲ ص.

ISBN: 978 - 600 - 03 - 2816 - 0

یادداشت: کتابنامه.

عنوان دیگر: تحلیل روایت پساستعماری مسلمانان در
سینمای هالیوود.

موضوع: سینما -- ایالات متحده -- صنعت و تجارت --

جنبه‌های سیاسی -- تاریخ -- قرن ۲۰ م.

موضوع: Motion picture industry -- Political as-

pects -- United States -- History -- 20th century

موضوع: سینما -- ایالات متحده -- هسته‌های داستانی،

پی‌رنگ‌ها و غیره

موضوع: Muslims in motion pictures

موضوع: اسلام‌ستیزی -- ایالات متحده

موضوع: Motion pictures -- United States -- Reviews

موضوع: Orient in motion pictures*

موضوع: هالیوود (ایالات متحده) -- تاریخ

موضوع: Hollywood (Los Angeles, Calif.) -- His tory

رده‌بندی دهی: ۷۹۱/۴۳-۰۹۷۳

رده‌بندی کنگره: ۵/۱۳۹۷/PN۱۹۹۳ اس ۸۸الف/۵

سرشناسه: سلیمانی ساسانی، مجید، ۱۳۶۲-

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

وضعیت فهرست نویسی: فیا

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۴

صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

تلفن: ۶۱۹۴۲ سامانه پیامک: ۳۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز پخش: (پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱

www.sooremehr.ir

مقدمه	۱۱
فصل اول: مقدمه‌ای بر تاریخ شرق‌شناسی و نظریهٔ پسااستعماری	۱۷
اسلام و مسلمانان در آثار شرق‌شناسان: از سفرنامه‌ها تا هالیوود	۱۸
ریشه‌های مطالعات پسااستعماری و ظهور آکادمیک نقد شرق‌شناسی	۳۲
الزامات مطالعات پسااستعماری و نقد گفتمان شرق‌شناسی	۳۷
بازنمایی؛ بر ساخت سلطه و سامان‌دهی قدرت	۴۳
فصل دوم: بازنمایی و روایت در تحلیل پسااستعماری فیلم	۴۳
رژیم‌های بازنمایی و ساخت تفاوت و غیریت	۴۸
نظریهٔ روایت؛ رویکردی برای تحلیل بازنمایی	۵۳
روایت: از تعاریف تا رویکردها	۵۶
چارچوب تحلیل روایت در فیلم	۶۱
جنسیت و فمینیسم لیبرال و مطالعات پسااستعماری	۷۵

فصل سوم: بر ساخت‌های جنسیتی و فمینیسم لیبرال: تحلیل روایت پسااستعماری فیلم در سرزمین خون و غسل	۷۵
در سرزمین خون و غسل؛ میراث‌دار کلیشه‌های شرق‌شناسی از زنان	۸۱
جولی و تجربه‌های پیشین از بازنمایی زنان مسلمان در جنگ	۸۳
گزاره‌های اصلی روایی فیلم در سرزمین خون و غسل	۸۸
تحلیل راوی فیلم؛ از فرهنگ مسلمانان و رهبری امریکا تا مسئله تجاوز	۹۰
تحلیل ژانر فیلم؛ عشق و جنگ و خیانت	۹۴
تحلیل شخصیت‌های اصلی در روایت فیلم	۹۵
۱. دانیل؛ بازگشت به مفهوم «شهروند جهانی»	۹۶
۲. آنلا؛ در میانه مسلمانان و رهایی از قیود	۹۷
۳. لیلا؛ زن مسلمان آرمان‌گرا و انتقام‌جو	۹۸
۴. ژنرال و کویویچ؛ پایبندی به قومیت در برابر مسلمانان	۹۹
۵. دارکو؛ قربانی جنگ‌طلبی مسلمانان	۱۰۰
۶. پیتر؛ عاقبت تقابل با نظم جهانی	۱۰۱
تحلیل پی‌رنگ؛ روند عشق نافرجام شرقی	۱۰۱
تحلیل زمان؛ بازنمایی تجاوز و روایت عاشقانه	۱۰۹
تحلیل وضعیت پی‌رفت؛ پایان خیانت و ورود به شرایط جدید	۱۱۰
تحلیل انواع پی‌رفت؛ دانیل قهرمان و فهم مسئله خون	۱۱۳
تحلیل ترکیب پی‌رفت؛ برابری نتیجه خیانت عشقی با منازعات جنگی	۱۱۴
تحلیل بسامد؛ تکرار در نمایش تجاوز به زن مسلمان	۱۱۴
تحلیل روابط متقابل دوتایی؛ زن مسلمان خیانت‌کار / مرد مسیحی عاشق‌پیشه	۱۱۶
زنان «سرزمین خون و غسل» در بازی فمینیست امپریالیست	۱۱۸

فصل چهارم: نوشتار شرق‌شناسی و نظم سیاسی جدید در قلمرو مسلمانان؛ تحلیل روایت پسااستعماری فیلم «ملکه صحر»	۱۲۷
تاریخ‌نگاری در شرق‌شناسی یا شرق‌شناسی جدید	۱۲۷
«ملکه صحر» و تاریخ شرق‌شناسی	۱۲۹
بازنمایی تاریخ و سیاست غرب آسیا در سینما؛ از «لورنس عربستان» تا «ملکه صحر»	۱۳۱
گزاره‌های اصلی روایی فیلم ملکه صحر	۱۳۷
راوی صحر؛ دغدغه‌های طبیعت‌گرایی یک کارگردان مستند	۱۳۹
زاویه دید فیلم؛ بی‌توجهی به تمایز و فهم یکپارچه از شرق	۱۴۱
تحلیل ژانر فیلم؛ به نام تاریخ، به کام سیاست	۱۵۳
تحلیل شخصیت‌های اصلی در روایت فیلم «ملکه صحر»	۱۵۴
۱. گرتروود بل؛ شرق‌شناس مدرن	۱۵۵
۲. پدر گرتروود بل؛ سیاست‌مدار بریتانیایی حامی زنان	۱۵۵
۳. هنری کوداگن؛ نیروی شناخت شرق	۱۵۶
۴. ریچارد داوتی وایلی؛ امتداد معشوق اول	۱۵۷
۵. تی لورنس؛ عاشق صحر	۱۵۷
۶. فتوح؛ مسلمانی در خدمت غرب	۱۵۸
۷. گروه‌بان مرزی دولت عثمانی؛ نماینده ساده‌لوحی و فساد	۱۵۹
۸. شیخ دروزی و شیخ نجد؛ شروعی برای فهم نظم سیاسی قبایل عرب	۱۵۹
۹. ترکیا؛ زنان شرقی، بازیچه مردان	۱۶۰
۱۰. امیر نوجوان آل رشید؛ نمایش فروپاشی سیاسی امپراتوری عثمانی	۱۶۰
۱۱. چرچیل؛ سیاست‌مدار نظم جدید در خاورمیانه	۱۶۱
۱۲. پسران شریف حسین؛ استعداد در پذیرش نظم جدید سیاسی	۱۶۱
تحلیل پی‌رنگ فیلم؛ تاریخ در خدمت سیاست	۱۶۲

تحلیل زمان؛ ارجاع به فرهنگ و هنر برای همراهی در تصمیمات سیاسی	۱۶۹
حلیل وضعیت پی‌رفت؛ فروپاشی یک امپراتوری مسلمان	۱۷۰
تحلیل انواع پی‌رفت؛ نمایش قهرمان سیاست جدید غرب آسیا	۱۷۳
تحلیل ترکیب پی‌رفت؛ عشق و ازدواج با صحرا	۱۷۳
تحلیل بسامد؛ تکرار بدویت و یکپارچگی در شرق	۱۷۴
تحلیل روابط متقابل دوتایی؛ نظم سیاسی غربی / نظم سیاسی شرقی	۱۷۵
«ملکه صحرا»؛ نسخه به‌روز از دانش شرق‌شناسی	۱۷۷

فصل پنجم: برساخت‌های قومیتی از مسلمانان؛ تحلیل روایت پسااستعماری فیلم «حرارت جاوه» ۱۸۹

«حرارت جاوه»؛ شرق‌شناسی مسلمانانی جدید در جنوب شرق آسیا	۱۸۹
شرایط تولید و موقعیت فیلم «حرارت جاوه»	۱۹۲
گزاره‌های اصلی روایی فیلم «حرارت جاوه»	۱۹۴
تحلیل راوی یا پدر و پسری در جست‌وجوی منطقه‌ای ناشناخته	۱۹۶
زاویه دید فیلم: از تروریسم اسلامی تا تکثر مذهبی و فرهنگی	۱۹۷
ژانر پلیسی و اکشن یا تعقیب تبهکاران مسلمان	۲۰۳
تحلیل شخصیت‌های اصلی در روایت فیلم «حرارت جاوه»	۲۰۴
۱. جیک تراویس؛ قهرمان آمریکایی در مبارزه با تروریسم	۲۰۴
۲. دیانا؛ ناجی زنان	۲۰۵
۳. هاشم؛ سایه شرقی قهرمان آمریکایی	۲۰۶
۴. مالک؛ مافیای مسلمان	۲۰۷
۵. شاه؛ حامی اصلاحات دیانا	۲۰۷
۶. وزیر؛ مجاز حکام فاسد مسلمان	۲۰۷

۷. ژنرال؛ فرصت طلب و فاسد	۲۰۸
۸. احمد؛ تروریست فریب خورده	۲۰۸
تحلیل پی‌رنگ فیلم؛ نجات شاهزاده خانم شرقی به‌مثابه نجات اندونزی	۲۰۹
تحلیل زمان؛ فرهنگ باستانی و فرهنگ مذهبی در روایت اکشن	۲۱۶
تحلیل وضعیت پی‌رفت؛ روند ثبات و اصلاحات سیاسی	۲۱۷
تحلیل انواع پی‌رفت؛ قهرمانی غربی در جست‌وجوی یاری‌گر شرقی	۲۱۹
تحلیل ترکیب پی‌رفت؛ تروریسم اسلامی در میانه وضعیت سیاسی کشورهای اسلامی	۲۲۰
تحلیل بسامد؛ تکرار تمایزات قومیتی و فساد حاکمان و عدم رعایت حقوق زنان	۲۲۱
تحلیل روابط متقابل دوتایی؛ تقابل دو نوع نظام اداره سیاسی	۲۲۲
«حرارت جاوه»؛ پیشنهادی غربی برای فرهنگ و نظم سیاسی	۲۲۳
 فصل ششم: مسئله مسلمانان غربی و مهاجران مسلمانان؛ تحلیل روایت پسااستعماری فیلم غیرقابل‌درک	۲۳۵
مسئله مهاجرت و گسترش اسلام و افزایش جمعیت مسلمانان در غرب	۲۳۵
بازسازی کلیشه ترور در سینمای هالیوود	۲۳۸
گزاره‌های اصلی روایی فیلم غیرقابل‌درک	۲۴۰
تحلیل راوی؛ میهن‌پرستی با چاشنی حادثه و هیجان	۲۴۱
زاویه دید فیلم؛ سیاست خارجی آمریکا در قبال مسلمانان	۲۴۲
تحلیل ژانر فیلم؛ اکشن با خشونت‌های تصورات‌پذیر	۲۴۸
تحلیل شخصیت‌های اصلی در روایت فیلم غیرقابل‌درک	۲۴۹
۱. یوسف عطا محمد؛ مقاومتی تعریف‌نشده	۲۴۹
۲. هلن برودی؛ نماینده عقلانیت رسمی	۲۵۱
۳. هنری هارولد هامفیس؛ خشونت مشروع آمریکایی	۲۵۲
۴. رینا مهاجر خوب مسلمان	۲۵۲

تحلیل پی‌رنگ؛ داستان نجات امریکا از شر مسلمانان	۲۵۳
تحلیل زمان؛ شکنجه یک مسلمان غیرقابل درک	۲۶۰
تحلیل وضعیت پی‌رفت؛ بحران بی‌پایان	۲۶۱
تحلیل انواع پی‌رفت؛ پیروزی هم‌زمان هلم و هنری یا عقلانیت و خشونت	۲۶۳
تحلیل ترکیب پی‌رفت؛ اثبات موضع سیاسی ایالات متحده	۲۶۳
تحلیل بسامد؛ تکرار تهدید امریکا از سوی کاراکتر مسلمان	۲۶۴
تحلیل انواع روابط متقابل دوتایی؛ تفکر غیرقابل درک/عقلانیت نظام‌مند و خواهان صلح	۲۶۴
غیرقابل درک یا پیشرفت گفتمان اسلام‌هراسی	۲۶۵

فصل هفتم: نتیجه‌گیری	۲۷۹
بازنمایی جنسیت و زنان مسلمان	۲۸۰
بازنمایی ملیت و قومیت و نژاد	۲۸۴
بازنمایی قدرت و سیاست و اسلام سیاسی	۲۹۱
بازنمایی هراس، ترور و وحشت	۲۹۴
روند تحول سیاست بازنمایی اسلام و مسلمانان	۲۹۶

منابع ۳۰۳

۱. منابع فارسی	۳۰۳
۲. منابع لاتین	۳۱۱

مقدمه

جهان روایت‌ها منقطع از جهان انسانی نیست. روایت‌ها و انسان‌ها در رابطه‌ای دیالکتیکی با یکدیگر معنا را می‌سازند و ساختارهای معنایی و روایی را تعیین می‌بخشند. از وجهی باید گفت که ساختارهای روایتی نه از قبل موجود بوده‌اند و نه از منظری دیگر، صرفاً ساخته انسان هستند. با این حال، آن‌ها اتفاقی نیستند و در ساختارهایی از معنا مرتباً در حال تجربه و تغییر بوده و به زندگی انسان‌ها معنا می‌بخشند. بنابراین قابلیت شناخت دارند، هرچند که «زمان» بر آن‌ها عارض است و فهم زمانمند روایت‌ها کار علمی را دچار مشکل می‌کند. زیرا انباشت تجارب زیسته هر لحظه امکان گونه‌ای از فهم را ممکن می‌سازد که زمانمند است. اما این توضیح هرگز بدین معنا نیست که انسان قدرت مداخله در ساختار روایت‌ها را ندارد، بلکه گروهی از انسان‌ها می‌توانند از هنر داستان‌پردازی و روایتگری بهره‌برند و جلوه روایت خود را فزونی دهند و در برابر دیگر روایت‌ها توفیق بیشتری داشته باشند.

برای ارائه قدرتمند روایت‌های برگزیده، سینما ساختاری هنری دارد که منشأ آن قدرت و ایدئولوژی است. تقابل‌های روایی عرض‌اندام می‌کنند و آنکه در جایگاه قدرت است روایتی از مفاهیم بشر ارائه می‌کند که در تداوم سلطه خود باشد. در شکل‌گیری

روایت‌ها، مفهوم سلطه نیز هنگامی معنا می‌یابد که با مفهوم «انحصار» همراه باشد. به نظر می‌رسد که روایت‌های سینمایی هالیوود واجد چنین معنایی باشد. در این صورت، روایت‌های اکثریت در برابر روایت‌های «اقلیت» جنسیتی و اقتصادی و نژادی و قومی قرار می‌گیرد و یک روایت خاص از معنای انسان و جهان ارائه می‌شود. روایت‌های سینمای هالیوود از اسلام و مسلمانان در همین قالب قابل فهم است.

«اقلیت» مفهومی کمی نیست، بلکه واژه‌ای برای شناسایی «موقعیت» است. اینکه گفته شود مسلمانان در جایگاه اقلیت قرار گرفته‌اند، به معنای تعداد اندک مسلمانان در جهان نیست؛ زیرا مسلمانان در صد بسیار بزرگی از جمعیت جهان را شامل می‌شوند. بلکه بدین معناست که آن‌ها در برابر دیگران در موضعی ضعیف قرار گرفته‌اند و ساختارهای موجود از آن‌ها تصویری به عنوان اقلیت ضعیف ساخته است. ضمن آنکه، مسلمانان توانایی رویارویی با این روایت از «خود» را ندارند و یا کمتر داشته‌اند. به بیانی دیگر، درباره مسلمانان روایت شده است، بی‌آنکه نقش بسزایی در ایجاد این روایت داشته باشند. از سوی دیگر، باید تأکید کرد که قرار گرفتن در جایگاه اقلیت به گروه مسلمانان اختصاص ندارد، بلکه شامل بسیاری دیگر از اقلیت‌ها می‌شود. گروهی دیگر هم در مقام اکثریت قرار گرفته‌اند که توانایی ارائه روایت‌های قدرتمند از اقلیت‌ها را در دست دارند و با تکرار روایت‌های خود از اسلام و مسلمانان، سلطه موجود را تداوم می‌بخشند. امروز «غرب» به معنای موجودیتی مستقل در برابر دیگران، که گاهی با عنوان «شرق» و گاهی نیز با عنوان «مسلمان» شناخته می‌شود، در جایگاه اکثریت قرار دارد و سعی می‌کند که نه تنها مسلمانان بلکه تمامی امور جهان را با روایت خود معنا کند و پیش برد. اما آیا شکل‌گیری این روایت‌ها و روایت‌پردازی غرب از اسلام و مسلمانان امری امروزی است و یا تابعی از سیاست‌گذاری‌ها و برداشت‌های تاریخی پیشین از اسلام و مسلمانان است که در هر متنی به گونه‌ای تکرار می‌شود. در واقع مسئله اصلی این است که چگونه این روایت‌ها از اسلام و مسلمانان شکل گرفته‌اند و آیا سیاست‌ها و روندهای تاریخی موجود در شکل‌گیری این روایت‌ها نقش داشته است؟ با این مسئله،

کتاب حاضر پرسش خود را به یکی از منابع اصلی روایتگری در غرب محدود می‌کند. این منبع سینمای هالیوود است که قدرت بسیار زیادی در روایت‌پردازی دارد. سینمای هالیوود، با به‌کارگیری قدرت تصویرپردازی و روایتگری خود، از جمله مهم‌ترین نهادهای اجرای سیاست‌های غربی به معنای عام آن و سیاست‌های ایالات متحده آمریکا به معنایی خاص‌تر بوده است. بنابراین مطالعه فیلم‌های این سینما می‌تواند راهی برای شناخت وضعیت سیاسی موجود باشد و موقعیت امروزی روایت از اسلام و مسلمانان را در قیاس با دوره‌های مختلف تاریخی آشکار سازد و نسبت گفتار امروزی غرب با پیشینه تاریخی روایتش از اسلام را هویدا سازد. شناخت موقعیت کنونی اهمیت زیادی دارد؛ زیرا موقعیت‌های تاریخی نیز در شکل‌گیری گفتار و روایت غرب از مسلمانان تأثیر بسزایی داشته‌اند. به‌گونه‌ای که می‌توان گفت وقوع حوادثی مانند رخداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده و انفجار برج‌های تجارت جهانی و اتهام مسلمانان در این زمینه، وضعیت جدیدی برای روایت از اسلام و مسلمانان در متون هنری و رسانه‌ای غرب ایجاد کرد. با وقوع این حادثه نگاه‌ها بیش‌ازپیش متوجه مسلمانان شد و روایت‌های زیادی از آن‌ها در رسانه‌ها ارائه گردید. بعد از این واقعه سیاست‌های رسانه‌ای هالیوود در قبال مسلمانان با جدیت بیشتری مورد پیگیری قرار گرفته است. شرایط بعد از این واقعه و تغییر احزاب حاکم و رؤسای جمهور ایالات متحده نیز موقعیت جدیدی برای روایت از اسلام و مسلمانان ایجاد کرده است که این موقعیت جدید، بسته به سیاست‌های هر دوره، متفاوت به نظر می‌رسد. با این حال، صرف سیاست‌های کنونی در ارائه روایت‌ها دخیل نیست، بلکه روایت موجود از مسلمانان تابعی از پیشینه تاریخی رویارویی اسلام و غرب بوده است. در واقع، روایت امروزین غرب از اسلام و مسلمانان در ادامه روایت‌های پیشین بوده و روایت‌های گذشته به مثابه کتابخانه‌ای در اختیار روایت‌پردازی جدید قرار دارد که با عنوان «دانش شرق‌شناسی» شناخته می‌شود. شرق‌شناسی دانشی است که طی قرون متمادی و با توجه به رابطه میان مسلمانان و مسیحیان شکل گرفته و سعی در «دیگری‌سازی» مسلمانان برای مردم مغرب‌زمین و همچنین تداوم حرکت‌های استعماری داشته است. روایت شرق‌شناسان غربی از مسلمانان

در این دوره‌ها هرچند به اقتضای شرایط تاریخی متفاوت است، آهنگ مشترکی در میان آن‌ها وجود دارد و مسلمانان را به عنوان «دیگری» مردم غربی معرفی می‌کند. در این دوره‌ها، رمان‌ها و سفرنامه‌های غربی مملو از روایت‌های مختلف مسلمانان است که به نظر می‌رسد همین میراث تاریخی در ارائه روایت‌های امروزین هالیوود از مسلمانان تأثیر داشته است. هالیوود فیلم‌هایی بسیار زیادی در صد سال اخیر ساخته است که عمدتاً در آن‌ها از کلیشه‌های شرق‌شناسانه بهره برده است. با این تفاوت که هرچه بر عمر این سینما افزوده می‌شود، هوشمندی بیشتری برای کاربست این کلیشه‌ها در فیلم‌ها رخ می‌دهد. ضمن اینکه می‌توان مسائل سیاست خارجی و راهبردهای کلی امریکا را در این فیلم‌ها و در دوره‌های مختلف مشاهده نمود. در واقع باید تأکید کرد که بازنمایی «اسلام» و «مسلمانان» و ارائه تصویر دیگری و دشمن از آن‌ها، مرکز ثقل گفتمان شرق‌شناسی در دنیای کنونی به شمار می‌رود و نقد این گفتمان را می‌توان را در مجموعه نظری و آکادمیک «مطالعات پسااستعماری» جست‌وجو کرد. مطالعات پسااستعماری، یکی از حوزه‌های پژوهشی میان‌رشته‌ای درباره آثار فرهنگی استعمار بر مستعمرات و آگاهی بر مناسبات قدرت میان فرهنگ غرب و شرق است که به دنبال ارائه خوانشی مقاومت‌آمیز در برابر قدرت در اشکال استعماری، نواستعماری، پدرسالارانه و گفتمانی و راهبردهای بازنمایی آن است. نظریه پسااستعماری تجربه‌های سرکوب، مقاومت، نژاد، جنسیت، بازنمایی، تفاوت، آوارگی و مهاجرت را در خصوص گفتمان‌های تاریخی و فلسفی و علمی و زبان‌شناختی برتر غرب بررسی می‌کند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۰۸).

درواقع، مطالعات پسااستعماری رویکردی آکادمیک است که می‌تواند جایگزینی برای رویکردهای مصطلح علوم اجتماعی و فرهنگی قرار گیرد (به عنوان نمونه نگاه کنید به العطاس، ۱۳۹۱). ضمن اینکه به دنبال بازخوانی تأثیرات تفکر غربی بر نحوه حیات جوامع دیگر و حتی در رویکردی عمل‌گرایانه‌تر، به دنبال بازگشت به اصول و ارزش‌های فرهنگی خویشتن است. البته این بدین معنا نیست که از تجربه‌های تمدن غربی بهره‌ای نگیرد و بر همین اساس، اندیشه‌هایی مانند رویکردهای پست‌مدرن و نظریه‌های فمینیستی

و اندیشه‌های چپ انتقادی مورد توجه خاص نظریه‌پردازان پسااستعماری است؛ چراکه نقد مبانی فلسفی اندیشه معاصر مدرن غربی زمینه را برای نگرش‌های بدیل می‌گشاید و امکان تضارب آرا و افکار را در این حوزه فراهم می‌آورد. ضمن اینکه اندیشمند پسااستعماری معتقد است که ریشه عوامل عقب‌ماندگی کشورهای غیر غربی به دلیل خوانش شرق‌شناسانه غرب از شرق و ایجاد روحیه از خودبیگانگی در ملت‌ها و تلاش آن‌ها برای «غربی‌شدن» آن‌هاست (گاندی، ۱۳۸۸). از دیدگاه پسااستعمارگرایان، «امپریالیسم فرهنگی» تأثیر قاطعی بر تشکیل هویت و شیوه زندگی و زیست فرهنگی مردم در سراسر جهان داشته است و موجب هویت‌بخشی به «دیگری» در برابر «ما» شده است و ارزش‌ها و معانی تعریف‌شده توسط فرهنگی استعماری، خالق هر «دیگری» و هر تفاوتی است که مطرود شناخته می‌شود (اشکراف، بیل، گریفث، گارث، تیفین و هلن، ۱۹۹۵: ۲۸۳). مطالعات پسااستعماری تحقیقات و تحلیل‌ها و نظریه‌های خود را عمدتاً به متون و آثاری معطوف می‌کند که متفکران غربی درباره «شرق» نوشته‌اند. متونی که امروز در همه قالب‌ها از جمله محتوای رسانه‌ای و فیلم نمود یافته است. به عنوان مثال، «ادوارد سعید» در کتاب معروف خود، شرق‌شناسی (۱۹۸۷)، به نقد گفتمان علمی غربی و تصویر یکپارچه، ساده، غیر واقعی، سوگیرانه و خیالی آن می‌پردازد و اسلام را مرکز گفتمان شرق‌شناسی امروز می‌داند و شواهدی را ارائه می‌کند که نشان می‌دهد نیروهای فرهنگی امریکایی برای مقابله با اسلام بسیج شده‌اند. او در کتاب *اسلام رسانه‌ها* (۱۹۸۱) نیز به نقد محتوای رسانه‌ای و انگار سازی‌های منفی از مسلمانان می‌پردازد. ضیاء الدین سردار (۱۳۸۷) نیز مجموعه‌ای از متون قدیمی، از سفرنامه مارکوپولو تا فیلم‌های هالیوودی، را از منظر شرق‌شناسانه بررسی می‌کند و معتقد است که ذهنیت شرق‌شناسانه، خصوصاً در هنر و ادبیات، تاکنون ادامه داشته است و به‌ویژه اعتقاد دارد که سینما هنوز آشکارا گرفتار این ذهنیت است. ذهنیت شرق‌شناسانه سیاست «اسلام‌هراسی» در رسانه‌ها را شکل می‌دهد و این سیاست نیز به عنوان عنصری محوری جریان‌های اجتماعی و سیاسی جهان اسلام را مورد هدف قرار داده است (کچویان، ۱۳۹۱: ۹۲). مسئله اصلی کتاب حاضر نیز این

است که روایت از اسلام و مسلمانان در سینمای هالیوود با توجه به سیاست‌های راهبردی ایالات متحده و پیشینه تاریخی دانش شرق‌شناسی چگونه بازنمایی می‌شود. فرض این است که روندهای بازنمایی متوقف نمی‌شوند و روایت کماکان ادامه دارد. بنابراین این کتاب با «تحلیل روایت پسااستعماری فیلم» روایت‌های هالیوود را شناسایی می‌کند. تحلیل روایت پسااستعماری نقطه تلاقی «نظریه و روش تحلیل روایت ساختارگرا» با «نظریه و مطالعات پسااستعماری» است. مطالعه ساختاری و انتقادی متن رسانه‌ای، با بهره‌گرفتن از تحلیل ساختاری روایت در فیلم و نظریه‌های انتقادی پسااستعماری، می‌تواند وضعیت و موقعیت کنونی بازنمایی را روشن سازد. خصوصاً آنکه در مطالعات بازنمایی، هم به پیشینه تاریخی و هم سیاست‌گذاری‌های کنونی توجه می‌شود. نقطه شروع پژوهش من در مطالعات پسااستعماری و نقد شرق‌شناسی رسانه‌ها رساله دکتری این جانب با عنوان «بازنمایی اسلام و مسلمانان در سینمای هالیوود پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱» بوده و کتاب حاضر نیز مبتنی بر تلاش‌های مطالعاتی سال‌های اخیر است. امیدوارم این کتاب پیشنهادهایی برای پرکردن خلأهای نظری در باب تحلیل متون رسانه‌ای ارائه دهد، ادبیات انتقادی موجود در بازنمایی روایت در رسانه‌های کشورهای اسلامی و سیاست‌های آن رسانه‌ها را غنی‌تر و به‌روزتر کند، در بازشناسی نگاه غرب به ملل شرق خصوصاً مسلمانان و شناخت شیوه‌های «هویت‌بخشی رسانه‌ای» به «منظومه معرفتی غرب» و بازتولید هویت ملل مسلمان مؤثر باشد.

در پایان، از راهنمایی‌های آقایان دکتر سید محمد مهدی‌زاده، دکتر عبدالله بیجرانلو و دکتر علیرضا حسینی پاکدهی که در سال‌های پژوهش یاریگر بنده بوده‌اند و همچنین از آقایان دکتر وحید یامین‌پور و دکتر میثم مهدیار در پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی و انتشارات سوره مهر، که فرصت انتشار کتاب حاضر را فراهم کرده‌اند، کمال قدردانی را دارم.

دانشگاه تهران، مجید سلیمانی ساسانی

زمستان ۱۳۹۷

فصل اول

مقدمه‌ای بر تاریخ شرق‌شناسی و نظریهٔ پسااستعماری

وقتی از «غرب» سخن گفته می‌شود، منظور جغرافیایی نیست که در مقابل شرق قرار دارد، بلکه کلیت و بر ساخته‌ای تاریخی و البته فراوایی است که ادعای جهان‌شمولی دارد. منظور از غرب جامعه‌ای توسعه‌یافته و صنعتی و شهری و سکولار است که در اروپا بعد از شکست فتودالیت‌ها ظهور یافت و امروز هر جامعه‌ای که این خصایص را داشته باشد مدرن است. بنابراین غرب یک ایده است (هال، ۱۳۸۶: ۳۳ - ۳۶)؛ ایده‌ای که می‌کوشد با حضور فعال خود در عرصهٔ فکر و تجلی‌گاه رسانه‌ای آن هر آنچه را می‌پسندد، در قالب هنجارهای خوب و بد تعریف کند. دنیای فعال نوشته‌های غربی و سکوت شرقی این امکان را به وجود می‌آورد که چیزهای گوناگونی «شرقی» معرفی شوند و «انگ» شرقی بخورند. مفاهیمی نظیر فساد، قساوت، استبداد، جوهر، روحیه، عرفان، شهوت، روح و شکوه شرقی خیلی زود به گفتمان روزمرهٔ ناظران اروپایی راه یافته است (زائری، ۱۳۸۴: ۳۷۸). آنچه امروز تبدیل به دانش شده حاصل فراوایی تاریخی از خوانش شرق توسط غرب است. این دانش به گونه‌ای شگفت‌انگیز از موضع برتر و سلطه‌آمیز سخن به میان می‌آورد و خود را شیوهٔ درست‌نوشتن، شرح، بیان و تفسیر می‌داند و در نتیجه، به‌طور کلی به مبانی سیاسی و یا ایدئولوژیک و یا پیامدهای ادبیات و نوع گفتمان خود بی‌تفاوت باقی

می‌ماند (شهرابی، ۱۹۹۱: ۸). اینجاست که مفهوم قدرت و گفتمان و آنچه به‌عنوان علم به جوامع شرقی و جوامعی که پیش‌از این مستعمره بوده‌اند معنا می‌یابد. پیگیری شرق‌شناسی و مطالعهٔ پسااستعماری در سینمای هالیوود نیازمند آن است که به‌لحاظ تاریخی، گذشته و سوابق آن روشن گردد و وقوع رخداد‌های تاریخی در روند آن لحاظ شود. بنابراین در این فصل به دنبال آن هستیم که، با مروری کوتاه، ریشه‌های تاریخی شکل‌گیری دانشی غربی تحت عنوان شرق‌شناسی را نشان دهیم؛ دانش و شیوه‌ای که مبدأ نظام بازنمایی در رسانه‌ها محسوب می‌شود. در پایان فصل نیز به ظهور نظریه‌های آکادمیک در حوزهٔ مطالعات پسااستعماری و نقد شرق‌شناسی اشاره خواهیم کرد.

اسلام و مسلمانان در آثار شرق‌شناسان: از سفرنامه‌ها تا هالیوود

به‌عنوان تعریف، شرق‌شناسی را علمی دانسته‌اند که «زبان، میراث، تمدن جوامع مشرق‌زمین و گذشته و حال آن‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دهد» (راضی نصار، ۱۳۸۶: ۶۳) و «عناصر زبان، ادبیات، هنر، آداب و رسوم، افکار و عقاید و دیگر عادات و سنن را دربر می‌گیرد» (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۲۰۴۶). اما شرق‌شناسی از دیدگاه شرقیان شیوه‌ای غربی برای تسلط بر شرق تلقی می‌شده است و شرق‌شناسان نیز به دنبال تحقق مقاصد سیاسی و استعماری بوده‌اند. خصوصاً آنکه این دانش به‌وسیلهٔ مأموران وزارت امور خارجه توسعه یافته است (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۴: ۲۳۸). بنابراین، ملل شرق و مسلمان عموماً خاطره‌ای تلخ از این دانش دارند.

به‌لحاظ تاریخی، واژهٔ «شرق‌شناسی» اولین بار در آغاز سال ۱۷۶۶ در دایرةالمعارفی لاتین دربارهٔ پدر بولینوس به کاربرده شده است (زمانی، ۱۳۸۵: ۲۸). هرچند ظهور اصطلاح شرق‌شناسی را به قرن هجدهم ارجاع داده‌اند اما، به‌زعم ادوارد سعید، شروع شرق‌شناسی به قرن چهاردهم برمی‌گردد:

شروع شرق‌شناسی را در غرب مسیحی از زمان تصمیم شورای کلیسای وین در سال ۱۳۱۲ م مبنی بر ایجاد یک رشته کرسی‌های زبان عربی،

یونانی، عبرانی و سریانی در دانشکده‌های پاریس، آکسفورد، بلونیا، آوینیون و سالامانکا می‌داند (سعید، ۱۳۸۳: ۹۵).

با این حال، شروع شرق‌شناسی، به قدمت اختلاف ادیان مسیحیت و یهود و اسلام دانسته شده است (دسوقی، ۱۳۸۰: ۶۱).

راضی نصار از هفت دیدگاه در روند تاریخی پیدایش و تحولات شرق‌شناسی سخن می‌گوید. وی معتقد است که از دیدگاه اول، تاریخ پیدایش شرق‌شناسی به قرن نخست میلادی بازمی‌گردد که فلافیوس اریان یونانی برای سیطره بر راه‌های تجاری، اطلاعات مفصلی را دربارهٔ خلیج فارس و حملهٔ اسکندر جمع‌آوری کرد (راضی نصار، ۱۳۸۶: ۱۶۵). دیدگاه دوم دربارهٔ راهبانی است که در آغاز شکوه و مجداندلس برای علم‌آموزی به آنجا رفتند. برجسته‌ترین آنان، راهب فرانسوی هربرت بود که در سال ۹۹۹م، در کلیسای روم به‌عنوان پاپ برگزیده شد. ویژگی بارز این راهبان تخصص در تاریخ عربی اسلامی و وضعیت دینی کشورهای عربی بود و در نوشته‌های آنان اندیشه‌های مخالف با پیامبر و دین اسلام بروز پیدا کرد. چراکه آثار آنان بر دروغ و خرافات و مطالب تحریف‌شده استوار می‌شد و این امر یا ناشی از جهل آنان به اسلام و یا برخاسته از کینه‌توزی و دشمنی آن‌ها با اسلام بود. دیدگاه سوم، بیان می‌کند که جنگ‌های صلیبی سرآغاز شرق‌شناسی است؛ زیرا در آن زمان بود که درگیری سیاسی و دینی بین اسلام و مسیحیت آشکار شد دیدگاه چهارم معتقد است که شرق‌شناسی هم‌زمان با جنگ‌های خونین بین مسلمانان و مسیحیان در اندلس، پس از غلبهٔ فونسو بر طلیطله در سال ۴۴۸ق آغاز شده است. دیدگاه پنجم، پیدایش شرق‌شناسی را در قرن ۱۲م ذکر می‌کند؛ قرن که اولین بار قرآن به زبان لاتین ترجمه شد (همان: ۱۶۵). دیدگاه ششم، تأکید دارد که شرق‌شناسی رسماً از زمان تصمیم شورای کلیسای وین در سال ۱۳۱۲م مبنی بر ایجاد کرسی زبان عربی، یونانی، عبری و سریانی آغاز شده است. دیدگاه هفتم نیز معتقد است شرق‌شناسی هنگامی پدید آمد که غرب احساس کرد باید از اسلام پشتیبانی کرده و عوامل قدرت‌ساز برای دفاع از مردم خویش را شناسایی کند؛ به‌ویژه پس از سقوط

قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳م که مسلمانان با تسلط بر مفاهیم و مبانی اسلامی همچون سد محکمی در برابر گسترش مسیحیت ایستادند (همان: ۱۶۶).

دسوقی نیز دوره‌های شرق‌شناسی را در چهار بخش، «پس از گشودن اندلس به دست مسلمانان و شکوفایی حیات علمی»، «پس از جنگ‌های صلیبی تا نیمه قرن ۱۸»، «از قرن ۱۸ تا پایان جنگ جهانی دوم» و «پس از جنگ جهانی دوم تاکنون» تقسیم کرده است (دسوقی، ۱۳۸۰: ۶۲).

همان‌گونه‌که گفته شد، دسته‌بندی متعددی از دوره‌های تاریخی شرق‌شناسی و نگاه غرب به مسلمانان ارائه شده است. اما آنچه برای این پژوهش و در این فصل اهمیت دارد بازخوانی تاریخی پیرساخت مفهوم اسلام و مسلمانان در متون تاریخی شرق‌شناسان است که در نگاه معاصر آنان تأثیر بسزایی دارد. درواقع از خلال بازخوانی اجمالی تاریخ شرق‌شناسی و ذکر نمونه‌هایی از آن می‌توان ریشه‌های رفتار امروز را تحلیل کرد. می‌توان اذعان کرد که حجم عظیمی از مطالعات شرق‌شناسان به اسلام و مسلمانان اختصاص داشته است. از این رو، نمونه‌های متعددی از مطالعات اسلامی مستشرقان در مورد قرآن و پیامبر اسلام و دیگر اعتقادات مسلمانان وجود دارد. ضمن اینکه اسلام و مسلمانان در آثار متعدد مکتوب و هنری غربیان مانند سفرنامه‌ها، نمایش‌نامه‌ها و تابلوهای نقاشی و در موارد متأخرتر مانند فیلم و سینما مورد بازنمایی قرار گرفته‌اند که نشان‌دهنده اهمیت جایگاه اسلام و مسلمانان به‌عنوان «دیگری» برای غرب است.

در تحلیلی تاریخی می‌توان گفت که ظهور اسلام در جغرافیای یهود و مسیحیت و گسترش آن، خصوصاً بعد از جنگ‌های صلیبی، تأثیر بسزایی در شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی غربیان داشته است. از طرف دیگر، مسیحیت و یهود با دینی مواجه بودند که در آموزه‌های خود، ادیان الهی پیشین را تأیید می‌کند. از همین جهت، گسترش اسلام به‌عنوان خطری اساسی که می‌توانست دامن این ادیان را بگیرد همیشه مطرح بوده است. بنابراین تحقیق در مورد دین اسلام برای جلوگیری از انتشار جغرافیایی و معنایی آن، خصوصاً برای مسیحیان، عمومیت یافت (برکی، ۲۰۰۳: ۱۶۷). از منظر تمایل به گسترش، از ابتدا رقابتی پنهان میان

اسلام و مسیحیت وجود داشته؛ از این رو، حجم آثار در مورد اسلام و مسلمانان هر روز فزونی می‌یابد. اولین آثار و بازنمایی اسلام و مسلمانان در میان مسیحیت متعلق به مسیحیت شرقی است (تولان، ۱۹۹۶: ۱۵). در مورد بازنمایی مسلمانان در مسیحیت شرقی می‌توان شواهدی را نیز ارائه کرد. به عنوان مثال، در سال‌های ۷۵۰م، یوحنا دمشقی، یکی از قدیسان مسیحیت شرقی به مسلمانان نسبت کفر و بت پرستی می‌دهد و فعالیت‌های آنان را بدعت می‌داند (همان: ۲۰)؛ به گونه‌ای که او منبع کلاسیک نوشته‌های مسیحی راجع به اسلام و اولین مروج شرق‌شناسی دانسته می‌شود (سردار، ۱۳۸۷: ۳۰). در واقع، وضعیت به گونه‌ای پیش رفت که متکلمان مسیحی برای تبلیغ دین خود و همچنین جلوگیری از گسترش دین اسلام نیازمند آن بودند که عقاید اسلام را با تحریف به مسیحیان ارائه دهند و این مسئله بدل به یک رویه گردید (دانیل، ۱۹۶۰: ۳).

با وقوع جنگ‌های صلیبی، وضعیت بازنمایی مسلمانان در آثار مسیحیان تشدید می‌شود و این اتفاق را می‌توان نقطه عطفی در ارائه مسلمانان به عنوان دیگری مسیحیان دانست (سردار، ۱۳۸۷: ۳۳). بنابراین در خلال جنگ‌های صلیبی وضعیت تبلیغی ادامه داشته است و آثار شرق‌شناسانه دیگری را نیز می‌توان دید. به عنوان مثال، ویلیام اسقف اعظم صور، در مورد تاریخ جهان اسلام آثاری دارد و در این آثار بر بی‌دینی اعراب تأکید می‌کند. در آثار دیگری نیز مسلمانان به عنوان بت پرست و مشرک معرفی شده‌اند و به پیامبر اسلام نیز سخنانی نسبت داده‌اند (بلانکز و فرازتو، ۱۹۹۹: ۶۸ - ۱۰۰).

اما وضعیت رویارویی مسلمانان با مسیحیان در غرب مدیترانه کمی متفاوت با مسیحیان شرقی است. با فتح اندلس توسط مسلمانان، زبان عربی و علوم مختلف به این زبان برای مسیحیان جذابیت پیدا کرد و نهضت ترجمه از عربی به لاتین، که در اسپانیا رواج یافته بود، در اروپا به امری معمول تبدیل شد (لینهان و نلسون، ۲۰۰۱). اما این بدین معنا نیست که نگاه شرق‌شناسانه در آثار آنان وجود نداشته باشد و به نوعی می‌توان گفت که خصومت مسیحیان با مسلمانان و تصویر آنان در دیگر آثار مسیحیان تفاوتی با قبل نداشته و برداشت‌ها تغییری نکرده است (ماستناک، ۲۰۰۲: ۱۷۳).